

یک موسسه بریتانیایی با هشدار از گسترش فساد در حکومت افغانستان:

افراد مضر از مجازات معاف اند



صفحه ۶

وزارت داخله:

از ولسوالی کران و منجان عقب نشینی تاکتیکی کردیم



وزارت امور داخله افغانستان تایید کرده است که نیروهای دولتی در ولسوالی کران و منجان ولایت بدخشان به دنبال حملات مخالفان مسلح دولت، «عقب نشینی تاکتیکی» کرده اند.

صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله گفت که مخالفان مسلح دولت روز شنبه (شش میزان) حوالی ساعت ۱ بعد از ظهر به وقت محلی، به چند پاسگاه نظامی حمله کردند و پولیس مجبور به عقب نشینی شد.

آقای صدیقی گفت که تعداد نیروی پولیس کم بود و این یک «عقب نشینی تاکتیکی» به دلیل حفظ جان سربازان بوده است. او در یک نشست خبری به خبرنگاران گفته است که تعداد کل نیروی پولیس در این ولسوالی ۳۰ سرباز بوده است.

پیشتر، گروه طالبان ادعا کرده بود که این ولسوالی را به طور کامل تحت کنترل خود در آورده، اما... ادامه صفحه ۶

وزارت داخله:

نیمی از مراکز رای دهی با تهدید روبه رو است

رای دهنده گان آغاز کرده است. به گفته مقامها در این وزارت، در این عملیاتها تلفات سنگینی به طالبان وارد شده است.

امنیت انتخابات یکی از مهمترین برنامه های حکومت افغانستان در شش ماه پیش رو است. در دوره های قبلی انتخابات، نیروهای ناتو سهم بیشتر در تامین امنیت داشتند اما این بار تمام مسوولیتها بر دوش نیروهای افغانستان می باشد.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله روز یکشنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «ما از امروز الی



وزارت داخله افغانستان می گوید عملیاتهایی را برای کاهش تهدیدهای امنیتی در برابر مراکز ثبت نام

روز انتخابات تمام سرمایه گذاریهایی که نیاز است یا هر آنچه که در اختیار داریم، برای تامین امنیت به خرج خواهیم داد. نه تنها پولیس بلکه اردو و امنیت ملی و در کل، حکومت افغانستان مصروف برنامه ریزی است.»

این در حالی است که در یک ماه اخیر رییس محلی کمیسیون انتخابات در کندز کشته شد و دو تن از کارمندان این کمیسیون در ولایت فاریاب نیز از سوی طالبان گروگان گرفته شدند.

مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات... ادامه صفحه ۶

پیام بنیاد شهید مسعود

«شهدا زنده اند و نزد خدا روزی می خورند»

مردم شریف، مجاهد، مسلمان و شهید پرور افغانستان السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

امروز دوشنبه ۸ میزان ۱۳۹۲ روز ماتم ملی برای ارج گذاری و یادبود از پنج هزار تن از فرزندان شجاع و سرافراز این سرزمین است که در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ توسط ایادی بیگانه و مزدوران اردوگاه سرخ به گونه بی رحمانه به شهادت رسیده اند.

این جانب به نمایندگی از بنیاد شهید مسعود و به نمایندگی از خانواده شهید مسعود قهرمان ملی کشور، به روح پرفتوح این شهدای گران ارج درود می فرستم و از بارگاه خداوند مهربان برای بازمانده گان این شهدا صبر جمیل و اجر جوادان می خواهم.

این شهدای تابناک و این فرزانه گان راه عشق، هم چون ستاره های درخشان در آسمان عزت و سرافرازی ملت افغانستان می درخشند و بر بنیاد قول خداوند: آنها هرگز نمرده اند و نزد خدای خویش روزی می خورند. خانواده ها و بازمانده گان این شهدا باید به خود ببالند که چنین نگین های افتخاری نزد مردم افغانستان دارند و خداوند متعال نیز آنان را اجر و پاداش بزرگ خواهد

داد. به عنوان کسی که مانند شما برادرم - قهرمان ملی کشور - و شماری دیگر از اعضای خانواده ام را در کنار دیگر شهدای عزت آفرین این خطه از دست داده ام، باور دارم که خداوند روزی به برکت خون شهدا چنان عدالتی را برپا خواهد کرد که دشمنان راه آزادی و قاتلان فرزندان پاک افغانستان به جزای اعمالشان برسند.

بدون شک افشای شهادت پنج هزار تن از فرزندان این سرزمین توسط مزدوران شوروی سابق، حقانیت جهاد مردم افغانستان را ثابت می سازد و مشخص می کند که جنگ در افغانستان یک جنگ تحمیلی بوده و سبب آن نیز چنین حرکت های ظالمانه حاکمان و به شهادت رساندن هزاران تن از افراد جامعه اعم از کارگر و دهقان و متعلم و معلم و... به نامها و بهانه های مختلف بوده است.

افشای فهرست نامهای پنج هزار شهید توسط داستانی هالند، تنها یک برگ از جنایات بی شمار انجام شده در آن دوره سیاسی را رونما ساخته است و بدون شک

صدها هزار فرزند این سرزمین، توسط دژخیمان سرخ و جلاان تاریخ به شهادت رسیده اند.

اما این جنایاتهای بزرگ نشان می دهند که ملت باغرور و حماسه آفرین افغانستان از هر قشر و طبقه ای عزمشان را برای جهاد جزم کرده بودند و عاشقانه جام شهادت را سر کشیده اند. بنابراین شایسته است که از هر فرصت پیش آمده برای یادبود و تجلیل از شهدا به نیکی استفاده کنیم و آرمانهای والای آنان را سرلوحه حرکت مان به سوی آبادانی افغانستان قرار دهیم. ما باید راه شهدا و کلام آنان را که تا آخرین قطره خون به آن وفادار بودیم؛ بشناسیم، درک کنیم و در جهت تحقق آن، گامهای متین و حساب شده برداریم.

در پایان، بار دیگر به روح تمام شهدای افغانستان درود می فرستم و از خداوند لایزال روزی را آرزو می کنم که صلح راستین در این سرزمین محقق شده و دیگر خون هیچ بی گناهی به زمین ریخته نشود.

با احترام

احمد ولی مسعود
رییس عمومی بنیاد شهید مسعود

در برگ ها



گزینه تعویق انتخابات از کجا می آید؟



بودن یا نبودن فلسفه مسیحی؟



حقیقت حزب التحریر و نیم نگاه انصاری!



اعتراض دیده بان به تصمیم مجلس نماینده گان

احمد عمران

گزینه تعویق انتخابات از کجا می آید؟



در حالی که ظاهراً همه آماده‌گی‌ها برای برگزاری انتخابات به عنوان اصل مهم تغییر مسالمت‌آمیز قدرت در کشور گرفته شده و بیشتر از ده روز از روند ثبت نام نامزدان می‌گذرد؛ ولی هم‌چنان در بعضی حلقه‌ها تعویق انتخابات به سال ۲۰۱۸ نیز شنیده می‌شود. نخست این صدا از قندهار خاستگاه رییس‌جمهور کرزی بلند شد، سپس در کابل شماری از اعضای مجلس نمایندگان و علما این طرح را در انداختند و حالا هم از هرات در غرب کشور این آواز بلند شده است. طرح به تعویق انداختن انتخابات در حقیقت در

ارگ ریاست‌جمهوری کشور ریخته شد. رییس‌جمهور کرزی با تلاش‌های همه‌جانبه از یک سال به این سو می‌خواهد به دلایل واهی، انتخابات را به تعویق اندازد. طراحان به تعویق انداختن انتخابات بدون آن‌که دلایل مستدلی در این خصوص ارائه کنند و یا خود از صلاحیت‌های لازم حقوقی و سیاسی برخوردار باشند، یک نفس می‌گویند: چون در افغانستان امنیت به اندازه کافی تأمین نیست، باید انتخابات برگزار نشود.

این افراد که عمدتاً سران قومی و از معاش‌بگیران ارگ ریاست‌جمهوری‌اند، حتا نمی‌دانند که انتخابات چیست و چرا باید قدرت از طریق قانونی انتقال یابد. برخی از این سران قومی حتا به گونه آشکار با نفس برگزاری انتخابات موافق نیستند و می‌گویند: در افغانستان فلان کس چهل سال حکومت کرد و آب از آب تکان نخورد، حالا چرا ما بیاییم و به «رسم کفار» هر پنج سال «پادشاه» خود را تغییر دهیم.

برای این افراد هنوز «حق الهی حاکمیت» به گونه ناآگاهانه موضوعیت دارد و «شاه» را «سایه خدا» می‌دانند. اما در عقب این گردهمایی‌ها و به اصطلاح همایش‌های مردمی، دست‌هایی دخیل‌اند که ضمن رایه این طرح، پول‌های کلانی را نیز مصرف می‌کنند. آقای کرزی می‌خواهد با ایجاد این‌گونه سروصداها و تأکید بر این مسأله که این خواست تنها به یک منطقه و محل محدود نمی‌شود و سراسر کشور را فراگرفته، نشان دهد که گزینه تعویق انتخابات هنوز بر روی میز قرار دارد و اگر اوضاع بر وفق مراد و آرزوی او پیش نرود، چه بهتر که اصلاً در افغانستان انتخاباتی برگزار نشود.

اگر طراحان به تعویق انداختن انتخابات، گزینه‌های عقلانی دیگری را عنوان می‌کردند، باز می‌شد که روی آن مکث کرد. مثلاً اگر می‌گفتند به دلیل ناامنی‌های گسترده، برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه در شرایط فعلی میسر نیست و باید با استفاده از سازوکارهای دموکراتیک، جایگزینی برای انتخابات تا زمان مساعد شدن اوضاع جست‌وجو کرد؛ می‌شد گفت که طراحان به تعویق انداختن انتخابات حداقل در پی انحصار قدرت در یک گروه خاص نیستند و بدیل‌های متفاوتی را پیش‌کش می‌کنند. بدیل‌هایی مثل ایجاد حکومت موقت و برکناری تمام مقام‌های فعلی. چون اگر مشکل انتخابات مشکل امنیتی است، پس باید اذعان کرد که حکومت آقای کرزی نتوانسته

در این خصوص موفقیتی به دست آورد. مسوولیت تأمین امنیت به دوش حکومت است و حکومتی که در تأمین امنیت کشور ناکام می‌ماند، چه‌گونه باید برای پنج سال دیگر بر اریکه قدرت باقی بماند. چنین امری نه تنها با قوانین کشور تضاد دارد، بل از منظر منطقی نیز امری خلاف منطق به نظر می‌رسد. مدافعان طرح به تعویق انداختن انتخابات، چه ضمانتی دارند که پس از باقی ماندن حکومت فعلی در قدرت، امنیت کشور بهتر می‌شود و شرایط برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه مساعد می‌گردد؟

اکثریت شهروندان کشور، مشکلات امروز جامعه را ناشی از سوءمدیریت حکومت فعلی می‌دانند و در این گفته زیاد هم به بی‌راهه نرفته‌اند. حکومت فعلی که در رأس آن آقای کرزی قرار دارد، مسوول تمام مشکلات کشور در ظرف بیشتر از یک دهه است. اگر افغانستان به فاسدترین کشور جهان تبدیل شد، مسوولیت آن به دوش گروه ارگ ریاست‌جمهوری است. اگر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... دست‌آورد چندانی نداریم و هنوز افغانستان به عنوان فقیرترین کشور جهان شناخته می‌شود، مقصر حکومت آقای کرزی است. چه‌گونه باید بازهم سکان کشور را به گروهی سپرد که

شرایط ممکن زنده‌گی می‌کنند؟ باری در جایی خواندم که دموکراسی نظامی است که شهروندان می‌توانند ارازل و اوباش را از سکوی قدرت پایین بکشند. شاید گاهی در کشوری چنین اتفاق بیفتد که ارازل و اوباش بر آن حکومت کنند که در افغانستان صد در صد چنین اتفاقی افتاده؛ ولی مزیت نظام دموکراتیک در این است که دست چنین افرادی را می‌گیرد و آن‌ها را بدون آن‌که به ایجاد خشونت بینجامد، از سکوی قدرت برمی‌دارد. حالا هم افغانستان با برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه، به چنین خانه‌تکانی بی‌نیاز دارد. باید حاکمان فعلی که از راه خدعه و نیرنگ بر سکوی قدرت نشسته‌اند، به زیر کشیده شوند و جای آن‌ها را افرادی شایسته و مسوول پر کنند.

حکومت فعلی حکومتی نیست که در آن خیر و فلاح کشور متصور باشد. این نظام از بیخ و بنیاد به سمت فساد و تباهی رفته است و هیچ چاره‌ی جز تغییر آن نمی‌تواند مطرح باشد. طرح ادامه سلطه حاکمان فعلی به معنی این‌ست که فردی گله خود را به جای چوپان، به گرگ بسپارد. آیا همین سران قومی‌بی‌کی دم از به تعویق انداختن انتخابات می‌زنند، حاضر اند که مال و منال خود را به کسی بسپارند که به دزدی شهره است؟!

مسوولیت تأمین امنیت به دوش حکومت است و حکومتی که در تأمین امنیت

کشور ناکام می‌ماند، چه‌گونه باید برای پنج سال دیگر بر اریکه قدرت باقی بماند.

چنین امری نه تنها با قوانین کشور تضاد دارد، بل از منظر منطقی نیز امری خلاف

منطق به نظر می‌رسد. مدافعان طرح به تعویق انداختن انتخابات، چه ضمانتی

دارند که پس از باقی ماندن حکومت فعلی در قدرت، امنیت کشور بهتر می‌شود و

شرایط برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه مساعد می‌گردد؟

وقتی انسان‌ها در مناسبات روزمره خود حاضر نیستند که خطر کوچکی که منافع‌شان را تهدید می‌کند قبول کنند، آن‌گاه چرا به فکر نابودی منافع کلان خود و جامعه‌اند؟ در این‌که طرح به تعویق انداختن انتخابات از سوی حلقه‌ای در ارگ حمایت می‌شود، جای هیچ شک‌وشبهه و پرسشی نیست؛ ولی مسأله این‌جاست که این آقایان با چه رویی می‌خواهند برای پنج سال دیگر هم از این ملت مصیبت‌دیده تقاص گناهان ناکرده‌شان را پس بگیرند؟

مهارتی غیر از اختلاس و برباد دادن میلیاردها دالر کمک صورت گرفته به افغانستان ندارد. آیا همین افرادی که از گروه فعلی حمایت می‌کنند و ساز به تعویق انداختن انتخابات را می‌زنند، خود در رنج و مصیبت به‌سر نمی‌برند؟ آیا آن‌ها در امنیت و رفاه زنده‌گی می‌کنند؟ شاید یک عده از این افراد به دلیل هم‌کاسه‌گی با دلالت قدرت به نان و نوابی رسیده باشند، ولی آیا میلیون‌ها هم وطن خود را نمی‌بینند که به دلیل عدم کفایت حاکمان فعلی، در بدترین

سخن‌ماندگار

بدخشان آبستن کدام فاجعه است؟

هرچند در طول یازده سال گذشته، ولایت بدخشان یکی از ولایات امن کشور به حساب آمده؛ اما در دو سه سال پسین، دامنه ناامنی‌ها آرام‌آرام به این ولایت نیز کشیده شده است. آگاهان دلایل این ناامنی را هم‌جواری این ولایت با پاکستان خوانده و تذکر داده‌اند که تروریستان اکثریاً از راه‌های صعب‌العبور چترال پاکستان وارد این ولایت می‌شوند. با این وصف، به‌تازگی گزارش‌های رسیده از این ولایت نشان می‌دهند که طالبان در آن ولایت دو ولسوالی کران و منجان را از تصرف نیروهای دولتی خارج کرده‌اند. اما مقامات حکومتی در این باره گفته‌اند که طالبان تنها بخش‌هایی از این دو ولسوالی را در دست دارند و هنوز قادر به کنترل تمام ساحات نیستند. قبل بر این نیز ولسوالی وردوج ولایت بدخشان نیز دچار رویدادهایی شده بود.

یکی دیگر از دلایل ناامنی‌های بدخشان، قدرت بلاقید فرماندهان محلی خوانده شده و اکثر تحلیل‌گران به این باور اند که فرماندهان محلی برای باج‌گیری از حکومت مرکزی، به ایجاد ناامنی دست می‌زنند. اما جدای از این همه، مسأله دیگری هم در ناامنی‌های بدخشان مطرح است که اکثریاً از دید منتقدان پنهان مانده است.

این گمان وجود دارد که در ناامنی‌های اخیر بدخشان، دست‌های دیگری دخیل است و به تحقیق روشن است که یکی از موانع اصلی فراراه برگزاری انتخابات شفاف ریاست‌جمهوری، مسأله ناامنی می‌باشد.

در انتخابات قبلی هم در ولایاتی که ناامن بودند، انتخابات برگزار نشد اما صندوق‌ها به سود نامزد مشخص در آن ولایات پُر شدند. با توجه به این تجربه، دریافته می‌شود که ناامن‌سازی بدخشان بی‌ربط به انتخابات پیش رو نیست و ممکن این ناامنی‌ها سبب به چالش مواجه کردن انتخابات در برخی از ساحات یا کل کشور شود.

این فرض به معنای آن نیست که حکومت عملاً طالبان را برای ناامنی به بدخشان گسیل داشته است؛ بلکه نقش حکومت در این ناامنی از ناحیه ضعف در اجرای مسوولیت است. زیرا به نظر نمی‌رسد که عبور از راه‌های خطرناک و صعب‌العبور چترال و رسیدن به بدخشان به این ساده‌گی ممکن باشد و از سوی دیگر، روشن است که ولسوالی‌های کران و منجان طالب‌خیز نیست؛ حتا مردم آن ولسوالی‌ها مخالف طالبان‌اند. خیزش مردمی در برابر طالبان در پیوند با همین حادثه اخیر، خود می‌تواند شاهد این مدعا باشد. بنابراین، هیچ شاهد دیگری وجود ندارد تا مجرای رسیدن طالبان را به ما نشان دهد. در این‌جا، تنها مسأله‌ی که باقی می‌ماند، کوتاهی ارگان‌های امنیتی در امر تأمین امنیت است. به این معنا که پاسخ‌گوی اصلی ناامنی‌های بدخشان ارگان‌های امنیتی، به ویژه وزارت داخله کشور است.

از طرفی هم نا امن شماری از ولایت‌های دیگر مثل وردک و لوگر این گمان را تقویت می‌کند نا امن سازی به سیاستی برای برگزار نشدن انتخابات یا بدبزرگزار شدن آن منتج شود.

از این‌رو، پاسخ این پرسش که چرا بدخشان ناامن شده است، تنها زمانی دریافته خواهد شد که این ناامنی‌ها تا روز انتخابات ادامه نیابد و پیش از این‌که انتخابات فرا برسد، زمینه یک انتخابات سالم و عاری از تقلب نه تنها در بدخشان که در بیشتر ولایت‌های کشور فراهم گردد. حالا نامن شدن بدخشان این سوال را مطرح می‌کند که آیا برنامه انتقال جنگ از جنوب به شمال که چند سال قبل طراحی شده بود روی کار گرفته نشده است و آیا به راستی این ناامنی‌ها و سبز شدن سمارق وار گویا طالبان در بدخشان نشان از برخی بازی‌های خطرناک ندارد که بدون شک دادن پاسخ به این سوال‌ها ناممکن است و در این هم شک نیست که مردم افغانستان مسوول این همه اتفاق‌ها و رویدادها در چنین شرایطی فقط تیم حاکم را می‌دانند و هیچ بهانه‌ی را نمی‌شناسند.

آلمان ایجاد اصلاحات در سازمان ملل را خواستار شد



وزیر امور خارجه آلمان در جریان سخنرانی اش در مجمع عمومی سازمان ملل به ایجاد اصلاحات در سازمان ملل اشاره کرد و گفت: این سازمان بین‌المللی باید برای اینکه بتواند نقشی حساس آنچنان که تمایل دارد ایفا کند و بر واقعیت‌های جهان حاضر اثر بگذارد، تقویت شود.

به گزارش پایگاه خبری سازمان ملل، گوئیدو وستروله، وزیر امور خارجه آلمان گفت: مرجعیت و نفوذ سازمان ملل به مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن آن بستگی دارد. شورای امنیتی بدون کرسی‌های دائمی برای کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین نمی‌تواند بر جهان حقیقی کنونی اثر بگذارد. شورای امنیتی که در آن آسیا، قاره‌ای پرجمعیت در جهان، که تنها یک کرسی دائم در آن دارد نیز نمی‌تواند بر جهان واقعی حاضر تاثیر گذار باشد.

وستروله گفت: آلمان به همراه هند، جاپان و برزیل آماده به دست گرفتن مسئولیت‌های بیشتر است. ما به دنبال ایجاد اصلاحات در سازمان ملل هستیم که قدرت این سازمان بین‌المللی باعث ایجاد اتفاق نظر، تشکیل قوانین جهانی و فعالیت به صورت موثر برای واکنش نشان دادن در قبال درگیری‌ها و ناآرامی‌ها شود و سازمان ملل نهادی قوی باشد.

وزیر امور خارجه آلمان ادامه داد: این پیام تنها مختص به سازمان ملل نیست بلکه روی سخن من به تمام کشورهای عضو است. تنها اگر ما خود را برای سازش آماده کنیم و تمایل داشته باشیم تا با یکدیگر همکاری داشته باشیم، قادر خواهیم بود سازمان ملل را قوی کنیم. برلین بر تعهد خود نسبت به سازمان ملل پایبند می‌ماند. یک سازمان ملل قوی، مورد قبول و تمایل آلمان است.

وستروله به این نکته اشاره کرد که مجمع عمومی سازمان ملل با یک رویکرد متفاوت در سال جاری میلادی تشکیل جلسه داده است.

وی گفت: احیا و نوسازی سازمان ملل نباید تنها به ساختمان‌های این سازمان بین‌المللی محدود شود. باید رویکرد سازمان ملل به جهان آن طوری باشد که جهان هم‌اکنون هست نه آن طور که جهان پیشتر بوده است. تنها در این صورت است که می‌توانیم برای رویارویی با چالش‌های عصر حاضر آماده باشیم.

انفجار در پیشاور حداقل ۳۳ کشته به جای گذاشت



مقامات پاکستانی گفته‌اند که یک انفجار در شهر پیشاور در شمال غرب آن کشور حد اقل ۳۳ نفر کشته بر جای گذاشته است.

پولیس پیشاور گفته است که بمب کار گذاشته شده در بازار «قصه خوانی» آن شهر بیش از هفتاد مجروح نیز بر جای گذاشته و به چندین مغازه و خودرو خسارت زده است.

این انفجار تنها یک هفته پس از یک بمبگذاری انتحاری در مقابل یک کلیسای آن شهر صورت گرفته است که حد اقل ۸۰ کشته و ۱۲۰ مجروح بر جای گذاشت.

روز جمعه نیز حد اقل ۱۷ نفر در بمب گذاری اتوبوس کارمندان دولت در نزدیکی شهر پیشاور کشته شده و ۳۴ نفر مجروح شدند.

پیشاور مرکز ایالت خیبر پختونخوا است. طالبان پاکستان مدتهاست که این شهر را به یکی از پایگاههای خود تبدیل کرده‌اند. برخی رسانه‌های پاکستانی گفته‌اند که هدف اصلی بمبگذاری امروز احتمالاً ساختمان اصلی پولیس شهر بوده است.

با این حال، شفقت ملک، مسوول واحد خنثی سازی بمب پولیس پیشاور گفته است که انفجار فاصله زیادی با مقر اصلی پولیس داشته است.

افزایش روند خشونت از سوی مخالفان تندرو دولت پاکستان سبب شده است که تلاشهای نواز شریف، نخست وزیر، برای مذاکره برای پایان دادن به شورش طالبان پاکستان و بازگشت صلح به آن کشور با مشکلات بسیار جدی روبرو شود.

طالبان پاکستان گفته‌اند که قانون اساسی پاکستان را به رسمیت نمی‌شناسند و خواهان برقراری «شریعت اسلامی» به عنوان تنها منبع قانونگذاری در آن کشور هستند.

سازمان ملل: اسرائیل فلسطینیان را از حقوق اولیه خود محروم می کند



بر اساس گزارش جدید سازمان ملل مشخص شد که چگونه اسرائیل فلسطینی‌ها را از دسترسی به زمین و دریا که جزء حقوق اولیه‌شان برای زندگی کردن است، محروم می‌کند.

بر اساس این گزارش جدید از سوی سازمان ملل، دسترسی فلسطینی‌ها به زمین به دلیل ساخت شهرک‌ها بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته است.

ساخت شهرک‌های صهیونیست‌ها بر روی زمین‌های کشاورزی فلسطینی‌ها صورت می‌گیرد. علاوه بر این، کشاورزان فلسطینی حتی نمی‌توانند به حصارهای شهرک‌ها نزدیک شوند چرا که می‌ترسند مورد هجوم و حمله شهرک‌نشینان قرار بگیرند.

در ادامه این گزارش آمده است که حتی ارتش رژیم صهیونیستی دسترسی فلسطینی‌ها به دریا را مسدود کرده‌اند. صیادان فلسطینی تنها می‌توانند به پنج تا ۱۰ کیلومتر از خط ساحلی دسترسی داشته باشند و حتی ارتش اسرائیل برای این منظور محدودیت‌های سختی را برای ماهیگیران در مناطق دارای مجوز صید برای فلسطینی‌ها اعمال کرده‌اند.

در این گزارش تخمین زده شده که هشت کشتی ماهیگیری و ۴۰۰ تور ماهیگیری فلسطینی توسط ارتش رژیم صهیونیستی در سال جاری میلادی از بین رفته است. تشکیلات خودگردان فلسطین با شکاف و کسری بودجه ۳۵۰ میلیون دلاری مواجه است.

تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق انگلیس و میانجی‌گر گروه چهار جانبه صلح خارومیانه به عنوان بخشی از مذاکرات صلح گفت که این گزارش سازمان ملل درباره طرح ابتکاری اقتصادی روز جمعه مورد بررسی قرار گرفت.

بلر اطمینان داد که اهداکنندگان خارجی کمک مالی برای از میان بردن این کسری بودجه تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند.

عبدالله گل:

حمله به سوریه آخرین راه چاره است



بسیار عالی است. این مساله به نفع همه است. اما اگر در پایان این مهلت هنوز تعدادی سلاح شیمیایی در سوریه وجود داشته باشد، این روند تنها اتلاف وقت بوده است.

بر اساس برآوردهای سازمان ملل، جنگ داخلی ۳۰ ماهه سوریه میان نیروهای دولت اسد و مخالفان سوری جان دست‌کم ۱۰۰ هزار تن را گرفته و ۱/۵ میلیون تن را آواره کرده است. بسیاری از آن‌ها به سوی مرز ترکیه فرار کرده و توسط مقامات این کشور مستقر شده‌اند.

عبدالله گل گفت: نخست آنکه جنگ داخلی سوریه مشکل ترکیه نیست اما ما همسایه هستیم. آنچه که در سوریه رخ می‌دهد فوراً بر ترکیه نیز تاثیر می‌گذارد.

رئیس جمهوری ترکیه گفت، اگر تلاش‌های دیپلماتیک برای ترغیب رئیس جمهوری سوریه به منظور تحویل سلاح‌های شیمیایی‌اش ناکام بماند، حمله نظامی این کشور باید آخرین راه چاره باشد.

عبدالله گل، رئیس جمهوری ترکیه در مصاحبه با شبکه خبری سی.ان.ان گفت: اقدام نظامی آخرین گزینه است. اما آنچه که ما بر آن تاکید داریم وجود یک استراتژی سیاسی جامع و کامل در وهله اول است.

دولت رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه از تلاش‌های مخالفان سوریه برای سرنگونی بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه حمایت کرده است.

رئیس جمهوری ترکیه گفت: نباید خودمان را فریب دهیم که تلاش‌ها برای ترغیب اسد به منظور تحویل و امحای تسلیحات شیمیایی‌اش بدون تهدید نظامی برای اجرای توافقاتش عملی خواهد بود. اگر این تسلیحات به طور کامل تحویل داده و انهدام شود،

وزیر خارجه بحرین:

ترور نصرالله وظیفه دینی و ملی است!



در واکنش به سخنرانی اخیر سید حسن نصرالله در تلویزیون المنار، وزیر خارجه بحرین ترور نصرالله را «وظیفه‌ای دینی و ملی» خواند. خالد بن احمد آل خلیفه، وزیر خارجه بحرین در پیامی در صفحه شخصی خود در پایگاه اجتماعی توئیتر به شکل علنی خواهان ترور سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان شد.

وی با طرح این ادعا که نصرالله «تروریست و خواهان جنگ علیه ملت خود است» ترور وی را «یک وظیفه ملی و دینی» خواند.

این پیام خالد بن احمد آل خلیفه که متن آن توسط خبرگزاری رسمی بحرین «بنا» منتشر شد، پس از سخنرانی اخیر سید حسن نصرالله در تلویزیون المنار به نگارش در آمد.

پیش‌تر سید حسن نصرالله در سخنرانی در شبکه المنار موضوعات مختلفی از جمله پرونده سوریه و بحرین را مورد بررسی قرار داد.

نصرالله در خلال سخنرانی‌های خود از تظاهرات مسالمت‌آمیز بحرین تجلیل و به ظلم دولت بحرین در مقابل این اقدامات مسالمت‌آمیز اشاره و اعلام کرد: دولت بحرین علاوه بر حمایت‌های گسترده از اقداماتش علیه مردم بحرین، رسانه‌های عمومی را برای سانسور اخبار تظاهرات و خدشه‌دار کردن تصویر این تظاهرات در مقابل افکار عمومی جهان قبضه کرده است.

نخست‌وزیر مالیزیا:

بزرگ‌ترین تهدید علیه مسلمانان از داخل خود جهان اسلام است



نخست‌وزیر مالیزیا در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل ضمن تاکید بر اینکه تمامی مسلمانان صلح دوست سراسر جهان باید علیه افراط‌گرایی که از مذهب آن‌ها برای انجام خشونت استفاده می‌کنند، متحد بمانند، گفت: اعتدال کلید پیروزی جنگی است که برای آینده اسلام آغاز شده است.

نجیب عبدالرازق، نخست‌وزیر مالیزیا در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: افراط‌گرایی در سراسر جهان جان افراد را گرفته و فرصت‌ها را ضایع می‌کند. این مساله بر همه ما تاثیر می‌گذارد اما تنها یکسری افراد و با یک ایمان و اعتقاد بیشترین ضرر را می‌بینند. معتقدم که امروزه بزرگترین تهدید علیه مسلمانان از داخل جهان اسلام است و نه از جهان بیرون.

کشورها و امت را از هم می‌پاشند. وی گفت: اما مسلمانان برای واکنش نشان دادن به آنها ضعیف و ناتوان نیستند. من معتقدم که اعتدال در مذهب و روندهای سیاسی می‌تواند کشتارها را و اقدامات خشونت‌آمیز در سراسر جهان اسلام را متوقف کند. پشت این خشونت‌های وحشتناک، جنگی است که بر سر آینده اسلام در گرفته است. با تاکید بر اعتدال، حل مسائل سیاسی و از بین بردن بی‌ثباتی می‌توانیم به نقطه اصلی بازگشته، افراط‌گرایان را منزوی کرده و برنامه صلح، یکپارچگی و عدالت را توسعه دهیم. البته نباید اعتدال را با ضعف اشتباه بگیریم. مواجه شدن با افرادی که دست به خشونت می‌زنند و همچنین خواستار آرامش و شکیبایی شده نشانه قدرت است نه ضعف.

نخست وزیر مالیزیا افزود: رهبران مسلمان باید به پا خواسته و چنین خشونت‌هایی را محکوم کنند مبدا که سکوت آنها اشتباه به عنوان قبول اقدامات این افراط‌گرایان تلقی شود.

انجام خشونت استفاده می‌کنند، متحد بماند. عبدالرازق با اشاره به جامعه مسلمانان ادامه داد: مذهب ما که بر صلح و شکیبایی استوار است توسط افراط‌گرایی که استدلال‌های غلطی را برای افزایش تفرقه و توجیه خشونت به کار می‌گیرند، تحریف شده است. در سراسر جهان اسلام، افراط‌گرایان برنامه مفرد و منحرف خودشان را در لباس مذهب می‌پوشانند و خانواده‌ها،

وی افزود: درگیری میان سنی و شیعه جان و معیشت میلیون‌ها مسلمان را از سوریه و لبنان تا عراق و پاکستان تهدید می‌کند. من معتقدم که مسلمانان صلح دوست که بخش اعظم اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند باید علیه افراط‌گرایان که از مذهب ما به عنوان ملعبه‌ای برای

دکتر شهرام بازوکی

بودن یا نبودن فلسفه مسیحی؟

■ ظهور جریان فلسفه دینی

یکی از دلایل اصلی علاقه‌مند شدن بنده به ژیلسون این بود که با فلسفه‌ی آشنا شده بودم که هم دینی است و هم جایگاهی برای عقل قایل است. این فلسفه به نوعی به فلسفه صدرایی، بسیار نزدیک است. نکته مهم این است که چه‌طور در قرن بیستم یک تفکر می‌تواند هم به عقل ارسطویی (نه دکارتی) پای‌بند باشد و هم بر تفکری دینی مبتنی باشد. ژیلسون در اقتدا به توماس آکوینی، در پی این تفکر تلاش می‌کرده است. بیش از ۱۰۰ سال قبل، پاپ لئوی سیزدهم که یکی از رهبران انقلابی کاتولیک‌ها بوده است، دست به تعیین شورایی برای بررسی

در قرون وسطا به عنوان فلسفه رخ نداده و قرون وسطا، ادامه مسیر فلسفه یونان است. این بحث را امیل بریه که همکار ژیلسون در دانشگاه سوربن است، آغاز کرد و چند سخنرانی در بلژیک انجام داد که موضوع سخنرانی او «نسبت میان مسیحیت و آنچه فلسفه مسیحی گفته می‌شود» بوده است. او می‌پرسد که آیا فلسفه مسیحی دارای هویت است و ماهیت و وجود آن کدام است؟ بریه به دو دلیل نمی‌تواند فلسفه مسیحی را بپذیرد. نخست این‌که او راسیونالیست (= عقل‌گرا) است و هیچ راسیونالیستی نمی‌تواند وجود فلسفه دینی را بپذیرد. دیگر این‌که او یک جهت تاریخی بسیار



قوی دارد و معمولاً مورخان کمتر می‌توانند برای یک دوره تاریخی، هویت فلسفی قایل باشند؛ زیرا بیش از آن‌که به کل بنگرند، به اجزا توجه دارند. اما ژیلسون در مقام دفاع برمی‌آید. هم به دلیل جریان نوتومیستی که ایجاد شده است و هم می‌خواهد نشان دهد در قرون وسطا و نیز

عالم مدرن زده بود که قرار بود درباره وضعیت عالم مدرن و نسبت آن با کلیسا به تحقیق بپردازند. کاتولیک‌ها بسیار دیر عالم مدرن را پذیرفتند و پس از شروع این کار جدی علمی، فعالیت‌شان به طرح یک سری مباحث دقیق درباره وضعیت مسیحیت در عالم مدرن انجامید. این فعالیت نشان می‌داد که چه چیزهایی مسیحیت را تهدید می‌کند و چه کارهایی باید انجام شود. یکی از نتایج این بحث‌ها این بود که گفته شد باید به فلسفه‌ی بازگشت که بتواند حق دین و عقل را ادا کند. این فلسفه نیز فلسفه توماس آکوینی است و توماس آکوینی به عنوان کسی که هم می‌تواند حق دین را ادا کند و هم حق عقل را، معرفی شد. این‌گونه بود که پس از پاپ لئو، جریانی فلسفی زیر عنوان «فلسفه نو تومایی» شکل گرفت که در پی احیای فلسفه مدرسی بود. از سردمداران و بزرگان این جریان، دو نفر هستند که در تاریخ فلسفه فرانسه اهمیت دارند: ژاک مارتین و اتین ژیلسون.

اصرار بر وجود فلسفه مسیحی بنابراین مسئله برای ژیلسون دارای دو جهت است؛ یکی این‌که درصدد بنا نهادن و برساختن جریانی فلسفی است که بتواند وضعیت بحرانی تفکر دینی را در عالم مدرن جبران کند و دیگر این‌که در دهه ۱۹۳۰ او بر آن بود تا نشان دهد که در قرون وسطا، فلسفه مسیحی وجود دارد. کسانی نیز در این دوره معتقد بودند چیزی

بر ذکر فلسفه مسیحی در عنوان به رشته تحریر در می‌آورد. او به فلسفه‌ی مسیحی قایل است که اوج ظهور آن در قرون وسطا است و استمرار پیدا کرده و هم‌اکنون نیز وجود دارد. اگر به عنوان کتاب تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا دقت کنید، نشان می‌دهد فلسفه‌های دیگری نیز احتمالاً در قرون وسطا وجود داشته‌اند، اما ژیلسون به فلسفه مسیحی پرداخته است.

■ چستی فلسفه مسیحی

او درباره هویت فلسفه مسیحی در کتاب روح قرون وسطا بحث می‌کند و به این پاسخ می‌دهد که فلسفه مسیحی چیست؟ باید توجه داشت که شبیه این مباحث را نیز می‌توان درباره فلسفه اسلامی مطرح کرد. یکی از کتاب‌های دکتر داوری نیز تقریباً همین مسیر را پیموده و به این پرداخته که وقتی از فلسفه اسلامی نام برده می‌شود، منظور چیست. دیگر این‌که آیا چیزی به نام فلسفه اسلامی وجود دارد یا این‌که هر چه هست، کلام اسلامی است. در مورد فلسفه مسیحی، بیشتر می‌توان گفت کلام مسیحی؛ زیرا در مسیحیت «کلام» قدرت بسیاری دارد؛ در صورتی که در اسلام این‌گونه نیست، بنابراین در مسیحیت بیشتر می‌توان گفت که توماس آکوینی متکلم بوده است، اما ژیلسون بر آن است که او فیلسوف است.

او در بیان دلیل گفته است که باید پذیرفت که فلسفه یونان در دوره‌ی متحول شده و مفاهیمی در این فلسفه هم‌چون «خلق از عدم» و «مفهوم خدای واحد خالق» و «علیت» تحت تأثیر مسیحیت وارد شده که پیش از این در آن نبوده است. همین نشان می‌دهد که مسیحیت این استعداد را داشته است که باعث ظهور مفاهیم جدید فلسفی شود. او این فلسفه را فلسفه مسیحی می‌داند که البته می‌توان به او خرده گرفت که در قرون وسطا، فلسفه اسلامی یا یهودی نیز وجود داشته است. اما ژیلسون، ابن سینا و ابن رشد را در ذیل فلسفه یونانی می‌داند که در قرون وسطا ادامه یافته است و در آن دست به تفسیر دینی زده‌اند. او به این دلیل برای فلسفه اسلامی، هویت مستقل قایل نیست، چون برای اسلام به عنوان دین هویتی قایل نیست و این از عقاید کاتولیکی او برمی‌خیزد. اگر او ابن سینا را فیلسوف اسلامی بداند، باید تفکر او

کاتولیک‌ها بسیار دیر عالم مدرن را پذیرفتند و پس از شروع این کار جدی علمی، فعالیت‌شان به طرح یک سری مباحث دقیق درباره وضعیت مسیحیت در عالم مدرن انجامید. این فعالیت نشان می‌داد که چه چیزهایی مسیحیت را تهدید می‌کند و چه کارهایی باید انجام شود. یکی از نتایج این بحث‌ها این بود که گفته شد باید به فلسفه‌ی بازگشت که بتواند حق دین و عقل را ادا کند. این فلسفه نیز فلسفه توماس آکوینی است و توماس آکوینی به عنوان کسی که هم می‌تواند حق دین را ادا کند و هم حق عقل را، معرفی شد

برون آن، فلسفه دیگری وجود دارد که نه فلسفه یونانی و نه فلسفه مدرن، بلکه فلسفه مسیحی است. به این دلیل او اقدام به نوشتن چند کتاب می‌کند که یکی روح فلسفه قرون وسطا است که به فارسی نیز ترجمه شده است. دیگری همین کتاب فلسفه مسیحی در قرن وسطا بوده و کتاب دیگرش، مبانی فلسفه مسیحی است. اما به همین نیز اکتفا نمی‌کند و دو کتاب دیگر به نام فلسفه مسیحی آگوستین و فلسفه مسیحی توماس آکوینی را نیز با اصرار

امیر عسکری

میمون باهوش و محقق مدهوش



آیا حیوانات با هم حرف می‌زنند؟ آیا حیوانات از خود گذشته‌گی می‌کنند؟ آیا حیوانات قهر می‌کنند؟ و آیا حیوانات عاشق می‌شوند؟

انسان‌ها نمی‌توانند دنیای حیوانات را درک کنند، ما تنها حیوانات را از دریچه دید خود می‌نگریم. دانستن درباره دنیای حیوانات نیاز به صرف زمان، آزمایش‌های سخت و تحلیل‌های پیچیده دارد. اما پژوهش‌های فعلی رویکردشناختی، نشان می‌دهند که حافظه و توانایی حیوانات، بسیار پیچیده و انعطاف‌پذیر است و حیوانات می‌توانند مفاهیم مختلف و سخت‌تری را بیاموزند.

معمولاً اکثر افراد به برنامه‌های تلویزیونی حیات وحش علاقه دارند و به اطلاعات ارایه شده آن اعتماد می‌کنند. تقریباً تمام فیلم‌های حرفه‌ی حیات وحش، توسط متخصصین اروپایی و آمریکایی در آفریقا، امریکای جنوبی و هندوستان ساخته می‌شوند. اکثر این فیلم‌ها نتیجه سال‌ها پژوهش میدانی در جنگل‌ها، باغ وحش‌ها و آزمایشگاه‌ها می‌باشد. نتیجه هر چه که است، منجر به لذت ما از تماشای مناظر بی‌نظیر و نادر حیات وحش می‌شود.

اما بارها بسیاری از جانورشناسان و کردارشناسان نسبت به جعلی بودن فیلم‌ها و گزارش‌ها شکایت داشته‌اند و داده‌ها را اغراق‌آمیز و یا ناشی از صحنه‌سازی دانسته‌اند. به هر حال در صنعت فیلم‌سازی هدف اولیه، جذب مخاطب با هیجان بخشیدن به موضوع فیلم می‌باشد. ولی در دنیای علم واقعی، نتیجه هر چه که است ارایه می‌گردد. در پژوهش اصیل جایی برای اغراق، تغییر داده‌ها و یا نادیده گرفتن اطلاعات وجود ندارد. از این‌رو بسیاری از پژوهش‌گران به واسطه شک به صحت و سقم اطلاعات، ترجیحاً تنها به منابع بسیار معتبر استناد می‌کنند. یکی از منابع بسیار معروف در روان‌شناسی تکاملی و انسان‌شناسی زیستی، آزمایشگاه مشهور تکامل‌شناختی پروفیسور مارک هازر در دانشگاه هاروارد می‌باشد.

مارک هازر که دارای سه مدرک فوق دکترا از دانشگاه‌های میشیگان، راکفلر و کالیفرنیا می‌باشد، به دلیل ارایه داده‌ها و اطلاعات غلط و دست‌کاری‌شده، از دانشگاه هاروارد اخراج شده است. پژوهش‌های اخیر او در زمینه قضایات‌های اخلاقی درباره نوع دوستی در انسان‌ها و حیوانات، منشای مذهب از دیدگاه تکاملی، ارتباطات کلامی در حیوانات و غیره می‌باشد. مارک هازر در بسیاری از کتاب‌ها و مقاله‌هایش، توانایی‌های شناختی و هوش میمون‌ها را بر اثر تکامل، بسیار نزدیک به انسان می‌دانست. او چند سال پیش نظریه «ویژه‌گی‌های انسانی» را ارایه داده است، که منجر به شهرت وی گردید. هازر چهار عاملی را که انسان از طریق آن به دامنه وسیعی از اطلاعات دسترسی پیدا می‌کند و توانایی پیدا نمودن راه‌حل خلاقانه در هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات جدید را نسبت به سایر حیوانات دارد، بیان نمود. هازر گفت: «فضای شناختی خاصی میان انسان و حیوان وجود دارد. با توجه به تفاوت‌های کلیدی در توانایی‌های شناختی، ما عناصری که انسان را موجودی بی‌همتا کرده است پیدا نموده‌ایم. این چهار عامل جدید عبارت‌اند از: توانایی ترکیب و بازترکیب انواع مختلف اطلاعات و دانش به منظور به دست آوردن درک جدید، به کار بردن یک قاعده یا راه حل یک‌سان در مواجهه شدن با موقعیت جدید و متفاوت، خلق و بازنمایی سمبولیک از درک آسان محاسبه و درون‌داد حسی، جدا نمودن شیوه تفکر از درون‌داد ادراکی حسی خام. مارک هازر به دست‌کاری و تقلب در ارایه نظریه‌هایش متهم شده است. تا کنون سه مقاله او پس از چاپ شدن، پس داده شده‌اند. برای اولین بار چند نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دکتر هازر به نتایج غیرعادی و تفسیرهای عجیب استاد شک کردند. آن‌ها در مصاحبه‌ی اظهار داشتند که دکتر هازر هرگز قبول نمی‌کرد که در مورد اشتباهات اتفاقی در تفسیر و تحلیل داده‌ها بحث کند. در ادامه این موضوع، مایکل اسمیت رییس دانشکده علوم و هنر دانشگاه هاروارد با اظهار تأسف اعلام نمود که تاکنون هشت مقاله از دکتر هازر با داده‌های جعلی به چاپ رسیده است. مارک هازر که در مورد شک‌ها و سوالات بسیاری که پیرامون موضوع مطرح گشته سکوت اختیار کرده بود، پس از اعلام نتیجه کمیته داوری هاروارد، تقلب در ارایه داده‌ها را پذیرفت و از جامعه علمی عذرخواهی نمود.

با پذیرش تقلب در داده‌ها توسط یکی از معتبرترین افراد علمی جهان، شوک عظیمی به جامعه روان‌شناسی تکاملی، انسان‌شناسی زیستی و کردارشناسی عصبی وارد آمده است. در طول ده سال گذشته کتاب‌های دکتر هازر و نظریه‌هایش در دانشگاه تدریس می‌شده است. پژوهش‌گران جوان بسیاری در ادبیات و پیشینه مقاله‌های خود از مطالب آثار دکتر هازر استفاده کرده‌اند.

اما این حادثه برای اولین بار در تاریخ علم رخ نداده است و احتمالاً آخرین آن نیز نمی‌باشد. بسیاری از افراد در سطوح بالای علمی به چنان تسلطی دست پیدا می‌کنند که می‌توانند موضوعات مختلف را بدون آزمایش و بنا بر عقیده شخصی و دل‌خواه گزارش نمایند. هم‌چنین جامعه علمی بنا بر شهرت و اعتبار افراد مذکور، هیچ‌گونه شک‌ی به داده‌های گزارش‌شده نمی‌کنند و این خود از ضعف سیستم اجرایی است که مقاله‌های افراد مشهور را هرچه باشد، چاپ می‌کنند.



یک موسسهٔ بریتانیایی با هشدار از گسترش فساد در حکومت افغانستان:

افراد مضر از مجازات معاف اند

یک موسسهٔ بریتانیایی هشدار داده است، در صورتی که اقداماتی برای متوقف کردن اختلاس و فساد در افغانستان اتخاذ نشود، کمک کنندگان بین‌المللی کمک‌های خود را به افغانستان کاهش خواهند داد. «کمیته نظارت و ارزیابی» (MEC)، یک موسسهٔ مستقل ضد اختلاس روز شنبه هشدار داد چنانچه اقداماتی برای پایان‌دادن به اختلاس در افغانستان انجام نشوند، کمک‌کننده‌گان بین‌المللی کمک‌های خود را کاهش خواهند داد. دراگو کاس، رییس «کمیته نظارت و ارزیابی» گفت: «بزرگترین مشکل در این کشور معافیت از مجازات است. مردم شاهد مجازات و تحریم افراد مضر نیستند؛ [بنابراین] مردم به حکومت اعتماد ندارند». افغانستان در فهرست فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. کمک‌کننده‌گان بین‌المللی هرچند برای یک دهه دیگر وعده همکاری داده اند، با آن هم تهدید کرده اند اگر با فساد و رشوت مقابله نشود، کمک‌هایشان را کاهش می‌دهند. این در حالی است که مأموریت نظامی نیروهای خارجی تا پایان سال ۲۰۱۴ در افغانستان به پایان می‌رسد؛ این مساله نگرانی‌هایی را در زمینه امنیت و توانایی جامعه بین‌المللی برای نظارت بر پروژه‌های توسعه‌ای دامن زده است. ایجاد «کمیته نظارت و ارزیابی» توسط بریتانیا در سال ۲۰۱۱، نقطه عطفی در مبارزه علیه فساد در افغانستان بوده است، اما روند آن بسیار آهسته می‌باشد. کاس گفت که برخی از وزارت‌های افغانستان توصیه‌های آنان را کاملاً نادیده می‌گیرند و در شش ماه گذشته هیچ مقام عالی‌رتبه‌یی به اتهام فساد تحت پیگرد قرار نگرفته یا برکنار نشده است. او گفت: «هیچ واکنشی از سوی پولیس یا سارنوالی دیده نمی‌شود». در گزارش شش ماهه «کمیته نظارت و ارزیابی» آمده است که یکی از روشترین مثال‌ها «برنامه همکاری

ملکی -تخنیکي» (CTAP) ایالات متحده در وزارت مالیه می‌باشد. این پروژه تاکنون ۴۰ میلیون دالر دریافت کرده است. بر اساس این گزارش، علیرغم این که این پروژه با «خویش خوری و فساد» گره خورده، نه وزارت مالیه و نه ریاست عالی تفتیش هیچ گونه «تمایلی» برای همکاری نشان نداده اند. «آژانس امریکا برای توسعه بین‌المللی» (USAID)، بزرگترین کمک‌کننده این پروژه در حال بازنگری این برنامه می‌باشد، اما تاکنون اظهارنظری در این مورد نکرده است. با آن هم کاس یادآور شد: «این که آنها احتمالاً برنامه خود را متوقف می‌کنند باید یک مسأله بسیار جدی تلقی شود. وقتی آنان (USAID) درباره برنامه جدید تصمیم بگیرند، این مسئله بر آن سایه خواهد افگند. آنها دیگر چنین برنامه‌ای نخواهند داشت یا این که کمک‌ها را محدود خواهند کرد». در چند سال اخیر «آژانس امریکا برای توسعه بین‌المللی» همواره از سوی مأموران تفتیش به خاطر اعطای پول به پروژه‌هایی بی مصرف که حتا در برخی موارد مردم محل با آن مخالف هستند، مورد انتقاد شدید بوده است. سال گذشته، ۸۰ کشور و موسسه بین‌المللی وعده سپردند تا در چهار سال آینده ۱۶ میلیارد دالر به افغانستان کمک کنند اما این کمک‌ها مشروط به کوشش موثر در مبارزه با فساد می‌باشد. واکنش‌ها حکومت افغانستان و برخی اعضای مجلس با تأیید فساد در درون دولت افغانستان، کشورهای خارجی را نیز به دامن‌زدن و گسترش فساد در کشور متهم می‌کنند. اعضای مجلس می‌گویند که اگر خارجی‌ها در حساب‌شان پاک بودند، امروز می‌توانستند بابت حیف‌ومیل میلیون‌ها دالر از جانب دولت افغانستان می‌پرسیدند.

فرهاد عظیمی نمایندهٔ بلخ در مجلس نماینده‌گان می‌گوید که فساد چه در حکومت افغانستان و چه در نهادهای بین‌المللی به صورت بسیار گسترده وجود دارد و دولت‌های امریکا و همچنان بریتانیا بهتر است از خود بپرسند که چرا قراردادهای بزرگ حمل و نقل، امنیتی و ساختمانی را به شرکت‌های بزرگ وابسته به خود دادند. آقای عظیمی همچنان گفت که مردم افغانستان همیشه می‌پرسند که خارجی‌ها چرا این قراردادها را به شرکت‌های وابسته به خودشان سپرده اند و چرا از اول این‌ها یک مکانیزم شفاف را از طریق دولت افغانستان ایجاد نکردند تا حکومت افغانستان این قراردادها را مطابق به قانون تدارکات به داوطلبی می‌گذاشت و حداقل دست دولت افغانستان دخیل می‌بود و امروز آن‌ها دولت افغانستان را ودار به پاسخ‌گویی می‌کردند. این عضو مجلس افزود که حکومت افغانستان بارها شانه خالی کرده و گفته که ما در انجام این قراردادها نقشی نداریم. در این حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعهٔ مدنی در پیوند به گسترش فساد می‌گوید که علت گسترش فساد در افغانستان حاکمیت فرهنگ معافیت در این کشور است. به گفتهٔ او، تا هر زمانی که فرهنگ معافیت وجود داشته باشد، هیچ راه‌کاری برای جلوگیری از فساد و بی‌عدالتی نمی‌تواند کارساز واقع شود. او گفت که ما قربانی بی‌عدالتی جهانی هستیم؛ چون در افغانستان دیگر معنویت اجتماعی وجود ندارد؛ به همین سبب ریشه‌های فساد بسیار گسترده شده است. حکومت افغانستان چندین اداره را برای محو فساد و رشوه‌ستانی ایجاد کرده است؛ اما این اداره‌ها تا اکنون کوچکترین کاری را در راستای جلوگیری از گسترش فساد انجام داده نتوانسته اند.

از ولسوالی کران و...

عبدالمعروف سخنگوی والی بدخشان این ادعا را رد کرد و گفت طالبان تنها بخش‌هایی از این ولسوالی را تصرف کرده اند، اما «قیام‌های مردمی» علیه این گروه شروع شده است. وزارت داخله گفته است به دلیل این که ولسوالی کران و منجان از ولسوالی‌های کوچک بدخشان است، تعداد نیروهای دولتی در آن به صورت عموم کم است. مقام‌های دولت افغانستان اعلام کرده اند که برای تصفیه محل از وجود مخالفان مسلح دولت، به ولسوالی کران و منجان به حد کافی نیروی اضافی می‌فرستند. ولسوالی کران و منجان بدخشان با ولسوالی برگ‌متال ولایت نورستان که با وزیرستان پاکستان مرز مشترک دارد متصل است و این مساله از دلایل نفوذ مخالفان مسلح در شمال به شمار می‌رود. ولایت بدخشان در شمال شرق افغانستان در سال‌های اخیر از نقاط امن کشور به شمار می‌رفت. حضور مخالفان مسلح در ولسوالی‌های این ولایت تازگی‌ها حاکی از ناامنی در شمال افغانستان است. گروه طالبان به رهبری ملاعمر از سال‌ها پیش به این سو با دولت افغانستان می‌جنگد و مسوولیت حملات پی‌هم به ولسوالی‌های بدخشان را به عهده گرفته است. بیشتر در درگیری میان نیروهای دولت افغانستان و گروه طالبان در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان ارتش و پولیس افغانستان تلفات سنگینی دادند. تعداد زیادی از جنگجویان گروه طالبان هم در این درگیری‌ها کشته شدند.

برای هر سناریویی پس...

گفت: «ما برای هر فرآیندی آماده خواهیم بود. ما می‌دانیم که چه نوع جغرافیای سیاسی و وضعیت نظامی ممکن است رخ دهد. من فکر می‌کنم که برای ما هیچ شوک بزرگی از جمله برای روسیه و کشورهای آسیای مرکزی پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان، نمی‌تواند وجود داشته باشد.» وی افزود: «تمرینات ما شواهدی بر این گفته‌هاست و ما این تمرینات را به شکلی ساده و بی‌هدف در قرقیزستان و آسیای مرکزی برگزار نمی‌کنیم، بلکه همه این موارد به منظور ممانعت از پیامدهای منفی که می‌تواند رخ دهد، برگزار می‌شود.» رییس مرکز ضدتروریستی یادشده ضمن ارزیابی مثبت از این تمرینات، در پایان اظهار داشت که «این تمرینات آموزش‌های خوبی هستند، زیرا در آنها نه تنها نیروهای امنیتی و انتظامی، بلکه تمام نیروهای دیگر شامل وزارت دفاع و وزارت موقعیت‌های اضطراری شرکت داشتند ضمن این که این نیروها نشان دادند، می‌توانند در یک وضعیت جنگی واقعی پایداری کنند.»

راهپیمایی برای مجازات عاملان کشتارهای سی سال گذشته



میزان، به خاطر یادبود از این قربانیان در سراسر کشور پرچم خود را در حالت نیمه افراشته قرار می‌دهد و برای یک روز مراسم فاتحه خوانی برگزار می‌کند. وابستگه قربانیان اواخر دهه هفتاد همچنین در محوطه بیرونی قصر دارالامان کابل تجمع کرده و به یاد از دست دادگان خود شمع روشن کردند. گروه هم‌هنگی عدالت انتقالی که شامل چند نهاد حقوق بشری و مدنی است هم در نشست خبری‌یی در کابل خواسته است که عاملان کشتارهای سی دهه گذشته باید مجازات شوند.

محمد رحیم جامی یک عضو این گروه به بی‌بی‌سی گفت که باید عاملان این کشتارها به دادگاه کشانده شود و نباید "حزب و گروه‌هایی که خود متهم به جنایت‌های جنگی هستند، از فهرست کشتار پنج هزار نفری برای تبلیغات سیاسی

شماری از نهادهای مدنی و جریان‌های سیاسی روز گذشته در راهپیمایی به یاد قربانیان جنگ‌های سه دهه گذشته در کابل خواستار برخورد با عاملان این سلسله کشتارها شدند. هواداران حزب همبستگی افغانستان، در راهپیمایی اعتراضی در کابل علیه رهبران سیاسی بی که به گفته آن‌ها در جنگ‌های سه دهه گذشته نقش اساسی داشتند، شعار سر دادند. این معترضان که با اعضای شماری از خانواده‌های قربانیان همراهی می‌شدند با خود تصاویر تعدادی از چهره‌های سیاسی را حمل می‌کردند که به روی آنان علامت چلیپا (صلیب) کشیده شده بود. خواست اصلی معترضان به دادگاه کشاندن و مجازات عاملان کشتار افغان‌هایی است که در سی سال گذشته کشته شده اند. این اعتراضات به دنبال انتشار فهرست نام و هویت پنج هزار نفری که در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ خورشیدی در افغانستان کشته شده اند، سازماندهی شده است. سازماندهان این راهپیمایی گفته اند که تعداد قربانیانی که در "قتل‌عام‌های" اواخر دهه پنجاه کشته شده اند، پنج هزار نیست و تعداد آن‌ها به هزاران نفر می‌رسد.

حکومت افغانستان روزهای دوشنبه ۸ میزان و سه شنبه ۹ سمنار بیدل شناسی همزمان با سیصدمین سالگرد وفات ابوالمغانی میرزا عبدالقادر بیدل در تالار دانشگاه بلخ در مزارشرف با حضور میهمانان ویژه برگزار شد. به گزارش پیام آفتاب، در این سیمینار که روز شنبه با حضور شماری از مسئولان وزارت تحصیلات عالی کشور مسوولان حکومتی بلخ، آموزگاران دانشگاه بلخ، نماینده‌گان مردم در شورای ولایتی، فعالان جامعه مدنی و برخی از دانشجویان شرکت کردند. این همایش از سوی دانشکده ادبیات و علوم بشری با همکاری مقام ولایت بلخ برای دو روز راه اندازی گردید که سخنرانان پیرامون زندگی و شخصیت بیدل سخن زدند. مکمل الکوزی رییس دانشگاه بلخ می‌گوید: در این سیمینار ۱۵ مقاله توسط آموزگاران دانشگاه کابل، دانشگاه بلخ و برخی از شاعران و نویسندگان کشور در مدت ۲ روز به خوانش گرفته می‌شود که در ارتباط به شخصیت و زندگی بیدل می‌باشد.

سیمینار بیدل‌شناسی در بلخ برگزار شد

رییس دانشگاه بلخ که در این سیمینار صحبت می‌کرد، گفت: عبدالقادر بیدل یکی از ستاره‌های درخشان افغانستان در عرصه شعر و شاعر می‌باشد که یاد او فراموش ناشدنی است. وی با بیان اینکه باید از شاعران و نویسندگان افغانستان همه ساله گرامیداشت به عمل آید، افزود: اگر از شاعران و نویسندگان کشور یاد آوری نشود، احتمال دارد که آنان به یاد فراموشی سپرده شود. محقق حسین فرمن عضو اکادمی علوم افغانستان که برای شرکت در این سیمینار به شهر مزارشرف مرکز ولایت بلخ آمده است، می‌گوید: عبدالقادر بیدل شخصیتی بزرگ در کشورهای فارسی زبان بود که در تمام کشورهای منطقه از نام و شهرت بالای برخوردار است.

صالح محمد خلیق رییس اطلاعات فرهنگ ولایت بلخ که یکی دیگری از سخنرانان این همایش بود، گفت: بیدل یکی از شخصیت‌های فرهنگی و ادبی افغانستان بود که نه تنها در کشور بلکه در کشورهای فارسی زبان جایگاه خاصی داشت. سمنار بیدل‌شناسی در دانشگاه بلخ در حالی راه اندازی می‌شود که به گفتهٔ فرهنگیان، از شاعران و نویسندگان کشور یاد بود به عمل نمی‌آید. آنان معتقد هستند اگر از کارنامه‌های شاعران و نویسندگان گذشته افغانستان یادبود صورت نگیرد آنان فراموش خواهد شد و تاریخی آنان از یاد خواهد رفت. گفتنی است که همه ساله از سالگرد وفات شاعر فریخته افغانستان عبدالقادر بیدل در شماری از شهرهای کشور به گونه‌ساده‌یی تجلیل صورت می‌گیرد.

نیمی از مراکز رای‌دهی...

گفته اند که به دلیل تهدیدهای امنیتی این کمیسیون نتوانسته در ۹ ولسوالی افغانستان، مراکز ثبت نام رای دهندگان را فعال کند. این کمیسیون بارها تأکید کرده است که برگزاری انتخابات شفاف، مستقیماً به امنیت بستگی دارد و در صورتی که ناظران انتخاباتی به مناطق ناامن نروند، شفافیت انتخابات خدشه دار خواهد شد. اما آقای صدیقی گفت که تلاش‌ها برای تأمین امنیت تمام مراکز رای‌دهی که در مناطق ناامن موقعیت دارند، آغاز شده است: «۲۵۹ مرکزی که سه ماه پیش برای کمیسیون گفتیم که در این مناطق پروسه‌های انتخاباتی را پیش ببرید... تا روز انتخابات هدف ما این است که تهدیدات این مراکز را نیز به سطح متوسط یا پایین بیاوریم». مقام‌های وزارت داخله گفته اند که حدود نیمی از مراکز انتخاباتی در افغانستان با تهدیدهای زیاد، متوسط و کم امنیتی روبرو هستند. صدیقی گفت براساس پلان امنیت انتخابات، پولیس و سایر نیروهای امنیتی عملیات‌هایی را علیه طالبان در مناطق ناامن آغاز کرده اند. او یادآور شد: «بیشترین دستاوردهایی که ما در این هفته داشتیم، راه اندازی ۶۵ عملیات نظامی بود علیه مخالفین، به خصوص در چارچوب برنامه امنیتی ما برای انتخابات. بیش از ۱۵۰ تن از مخالفین مسلح به هلاکت رسیده و این اقدامات ما برای تأمین امنیت انتخابات است». وزارت داخله افغانستان به مردم اطمینان داد که تمرکز بیش از حد بر امنیت انتخابات صورت گرفته و با عملی شدن برنامه‌های امنیتی، تا شش ماه آینده تهدیدها در برابر انتخابات کاهش خواهد یافت. آقای صدیقی گفت نیروهای امنیتی نگرانی خاصی در مورد کاهش نیرو یا تجهیزات ندارند و آمادگی کافی برای رفع تهدیدها گرفته شده است.



اعتراض دیده بان رسانه‌ها به تصمیم مجلس نماینده گان



دیده بان رسانه‌ها یا نی نسبت به تصمیم اخیر مجلس نماینده گان برای تغییر قانون رسانه‌ها اعتراض کرده و آن را گامی در راستای محدودیت آزادی رسانه‌ها دانسته است.

مسوولان دیدبان رسانه‌ها روز یکشنبه در یک نشست خبری خواستار بازنگری تصمیم اخیر مجلس شده و تأکید کردند که قانون رسانه‌ها نباید تغییر کند.

مجیب خلوتگر از مسوولان این نهاد گفت که تشکیل کمیسیون جدیدی برای بررسی شکایات و تخلفات رسانه‌یی به ریاست وزیر اطلاعات و فرهنگ کاری غیر ضروری است.

روز شنبه مجلس نماینده گان بر اساس پیشنهاد وزارت اطلاعات و فرهنگ طرح تغییر این قانون را کلیک تصویب کرد که بر پایه آن یک ماده به این قانون افزوده می‌شود که تشکیل این کمیسیون در آن پیشبینی شده است.

مصوبه مجلس در صورتی اجرایی می‌شود که مجلس سنا آن را تصویب کند و رئیس جمهوری هم آنرا امضا کند تا متن قانون در جریده رسمی چاپ شود.

در قانون کنونی، مصوب سال ۱۳۸۸، صلاحیت رسیده گی به شکایات و تخلفات رسانه‌یی به عهده کمیسیون رسانه‌های

این امر می‌تواند محدودیت کلانی را بر رسانه‌ها اعمال کند. شماری از نماینده گان دیروز گفتند دلیل این که وزیر اطلاعات و فرهنگ را به عنوان رئیس این کمیسیون در نظر گرفتند، این است که وزیر به عنوان عضو کابینه پاسخگوی کارهای خود به مجلس است و از این طریق مجلس می‌تواند بر کارکردهای این کمیسیون هم نظارت کند. به نظر آنها، اگر یک

همگانی است، اما بر اساس مصوبه تازه مجلس، از وظیفه به عهده کمیسیون رسیده گی به تخلفات رسانه‌یی گذاشته شده است.

آقای خلوتگر گفت: «مجلس پیشنهاد وزارت اطلاعات و فرهنگ را طوری تعدیل کردند که وزیر اطلاعات و فرهنگ در رأس کمیسیون رسیده گی به تخلفات رسانه‌یی قرار می‌گیرد که

روزنامه‌نگار یا فرد دیگر رئیس کمیسیون باشد، پاسخگوی پارلمان نخواهد بود.

اگر وزیر اطلاعات و فرهنگ بر روند رسیده گی به شکایات و تخلفات رسانه‌یی کنترل داشته باشد، این امر «مدیریت دولت را بر رسانه‌های همگانی به خصوص رسانه‌های آزاد بیشتر می‌کند».

اما مجیب خلوتگر افزود: «باور ما این است که بهترین راه این است که مطابق همان پیشبینی قانون مصوب ۱۳۸۸، کمیسیون رسانه‌های همگانی باید شکایات و تخلفات رسانه‌یی را بررسی کند. نیاز به تشکیل کمیسیون دیگری نیست».

این عضو ارشد دیدبان رسانه‌ها تأکید کرد: «ما خواهان ابقای قانون [رسانه‌های همگانی مصوب] ۱۳۸۸ هستیم».

به نظر آقای خلوتگر، کمیسیون رسیده گی به تخلفات رسانه‌یی پیش از این در حالی که هیچ جایگاه قانونی نداشت، به ریاست وزیر اطلاعات و فرهنگ به کارش ادامه می‌داد، مصوبه تازه مجلس به موجودیت این کمیسیون مشروعیت قانونی می‌بخشد.

او افزود که اگر وزیر اطلاعات و فرهنگ بر روند رسیده گی به شکایات و تخلفات رسانه‌یی کنترل داشته باشد، این امر «مدیریت دولت را بر رسانه‌های همگانی به خصوص رسانه‌های آزاد بیشتر می‌کند».

اما سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ پیش از این نسبت به زیاد بودن صلاحیت‌های کمیسیون رسانه‌های همگانی که رسیده گی به شکایات ها و تخلفات رسانه‌یی هم بخشی از این صلاحیت‌ها بود، انتقاد داشت.

از جانب دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم در مقابل هر منطقه که تابع سلطه مسلمانان نمی بود فرمان جنگ و غزا را صادر می کرد و با ایشان به حیت دارالحرب جنگ می کرد، چه ساکنینش مسلمان می بود و چه غیر مسلمان. دلیل این که از قتل ساکنین آن در صورت مسلمان بودن شان نهی می کرد، از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: «هنگامی پیامبر صلی الله علیه وسلم می خواست به قومی هجوم برد و غزا کند غزا نمی کرد تا آن که صبح می شد، آنگاه اگر اذان را می شنید از هجوم بر آنان پرهیز می کرد، و هرگاه اذان را نمی شنید بعد از فرا رسیدن صبح بر آنان هجوم می برد» (بخاری) و از عصام مزنی روایت است که گفت: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم دسته‌ای از مجاهدین را ارسال می کرد می فرمودند: (إذا رأیتم مسلحاً أو سمعتم منادياً فلا تقتلوا أحداً) «هرگاه مسجدی را دیدید و یا اذانی را شنیدید آنگاه کسی را به قتل نرسانید» (مسند احمد). مسجد و اذان که از شعائر اسلام بوده هر چند دلالت می کند که ساکنین آن مناطق مسلمان اند باز هم از قتل و هجوم بر آن مناطق به حیت دارالحرب مانع نمی شود. و این بدان معنی است که مناطق مذکور دارالحرب و دارالکفر شمرده می شود، زیرا اگر چه در آن جا شعائر اسلام ظاهر شده اما امانش به امان و سلطه رسول الله صلی الله علیه وسلم نبوده، یعنی امانش به سلطه و امان اسلام نبوده، لذا دارالحرب شمرده شده مثل هر دارالحرب دیگری مورد هجوم قرار می گرفت.

وی از کافران خواهد بود. المانده، ۴۴. هم چنان، آن چه درباره امامان شریع در حدیث عوف ابن مالک وارد گردیده و در آن آمده: «...گفتند: یا رسول الله! پس آیا با شمشیر در مقابل آنان قیام نکنیم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: (لا ما أقاموا فیکم الصلاة) «نخیر، تا هنگامی که در میان شما نماز را برپا می دارند». و نیز آن چه در حدیث عباد بن الصامت در باره بیعت وارد شده و در آن آمده: (...و أن لا تنازع الأمر أهله إلا أن تروا کفراً بأحیاءکم من الله فیه برهان) «و این که با فرمانداران منازعه نکنیم، مگر هنگامی که کفر آشکار را مشاهده کنید که در باره آن از جانب الله نزد تان دلیل قاطعی وجود داشته باشد». و در روایت طبرانی به لفظ «کفراً صراحاً» آمده است، این حدیث دلالت می کند که حکم کردن به غیر احکام اسلام چیزی هست که برداشتن شمشیر را در مقابل حاکم واجب می گرداند و این خود دلیل بر آن می شود که تطبیق اسلام شرطی از شروط دارالاسلام است، که در صورت نبودنش برداشتن شمشیر و قتال واجب می گردد.

اما در رابطه به واجب بودن امان به امان اسلام، یعنی به سلطه مسلمانان، این مسئله هم چنان مأخوذ است از این قول پروردگار: ... وَلَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً «و هرگز الله برای کافران راهی بر مسلمانان مقرر نکرده است» النساء، ۱۴۱. بدین شرح: جائز نیست که کافران بر مسلمانان سلطه و تسلطی داشته باشند؛ زیرا در صورت سلطه برای کافران امان مسلمانان به امان کفر می شود، نه به امان اسلام.

از آنان بپذیر و از تعرض بر آنان دست بردار، سپس ایشان را به هجرت از دار خود شان به دار مهاجرین دعوت کن، و به ایشان خبر ده که اگر هجرت کردند در زمره سایر مهاجرین داخل شده آن چه به آنان هست به ایشان هم خواهد بود و آن چه بر آنان تطبیق می شود بر ایشان نیز تطبیق خواهد شد» (مسلم). زیرا مفهوم حدیث چنین است که اگر از دار خود به دار مهاجرین انتقال می کنند مغایر احکام کسانی است که به دار مهاجرین (دارالاسلام) انتقال نمی کنند، و در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها دار مهاجرین دارالاسلام بوده؛ ما سوائ آن همه دارالکفر بود. از همین جا اصطلاح دارالاسلام و دارالکفر یا دارالحرب استنباط گردیده است، لذا مضاف ساختن دار به سوی اسلام، یا کفر یا حرب همانا مضاف ساختن آن به حکم و سلطه است.

از این جا روشن می شود که در نسبت دادن دار به سوی چیزی ضرور است که سلطه چیزی که دار به آن نسبت می شود متحقق و ثابت شود، و سلطه تحقق نمی یابد مگر توسط دو چیز: یکی آن: رعایت و تنظیم مصالح به احکام مشخص، و دوم آن عبارت است از قوتی که رعیت را حمایت کرده احکام را نافذ می کند، که آن به نام امان یاد می شود. از این جهت این دو امر مذکور به حیت شرط قرار داده شده است. علاوه بر آن در رابطه به تطبیق احکام این قول الله سبحانه و تعالی نیز دلیلش هست: ... وَمَنْ لَمْ یَحْکَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْکَافِرُونَ «هر کس به غیر آن چه الله نازل کرده حکم کند،

حقیقت حزب التحریر...

واقعاً دارالکفر است نه دارالاسلام. برای درک این واقعیت، شناخت حقیقت دارالاسلام و دارالکفر از نظر شرع لازم می باشد.

دارالاسلام در اصطلاح شرعی و از نظر شرع عبارت است از داری که در آن به احکام اسلام حکم شود و امانش به امان اسلام باشد، یعنی امنیت آن توسط سلطه و امان مسلمانان در داخل و خارج باشد، اگر چه اکثر ساکنین آن را غیر مسلمانان تشکیل دهند. مگر دارالکفر در اصطلاح شرعی عبارت است از داری که در آن به کفر حکم شود و امان آن به غیر امان اسلام باشد. یعنی امان آن بغیر از سلطه مسلمانان و امان آنان باشد، اگر چه اکثر ساکنین آن را مسلمانان تشکیل داده باشند. لذا در بودن دار به حیت دارالاسلام یا دارالکفر، همانا احکام و امان معتبر است، نه کشور و ساکنین. پس اگر احکامش احکام اسلام و امانش به امان مسلمانان بود آن دارالاسلام است، و اگر احکامش احکام کفر و امانش به غیر امان مسلمانان بود آن دارالکفر و یا دارالحرب می باشد. این مطلب از حدیث سلیمان ابن بریده اخذ گردیده که در آن آمده: (...ادعهم الی الإسلام فإن أجابوک فاقبل منهم و کف عنهم، ثم ادعهم الی التحول فإن دارهم الی دارالمهاجرین، و أخبرهم أنهم إن فعلوا ذلک فلهم ما للمهاجرین و علیهم ما علی المهاجرین) «...آنان را به سوی اسلام فرا خوان که اگر جواب مثبت دادند



رونالدو:

مشکل از ما بود نه مربی!



انجام دادیم و می‌توانستیم در این دیدار به پیروزی برسیم. آنها فقط یک گل زدند و پیروز شدند. آلتیکو فقط روی ضدحمله تمرکز کرده بود و در خط دفاع بسیار پر تعداد بازی می‌کرد که گل زدن را به آنها سخت کرده بود. با این حال نباید زانوی غم بغل بگیریم. باید سرهای مان را بالا بگیریم و به ادامه فصل خوش بین باشیم.

مهاجم پرتغالی رنالدو در پایان گفت: فکر نمی‌کنم در این دیدار خیلی بد بازی کرده باشیم. بازیکنان جدیدی به تیم ما اضافه شدند و تاکتیک تیم ما نسبت به قبل تغییر کرده است. آنچولوتی عملکرد خیلی خوبی در رنالدو مادرید داشته است. او یک مربی بسیار بزرگ و با دانش است. مسئولیت این شکست با ماست.

روسیه، قهرمان جام جهانی فوتبال ساحلی شد

تیم ملی روسیه با شکست اسپانیا در فینال جام جهانی فوتبال ساحلی به دومین قهرمانی پیاپی خود در این رقابت‌ها دست یافت.

روسیه، مدافع عنوان قهرمانی در دیدار فینال که در تاهیتی برگزار می‌شد، موفق شد اسپانیا را با نتیجه ۵ بر یک شکست دهد.

در دیدار رده‌بندی هم برزیل، پر افتخارترین تیم این جام جهانی فوتبال ساحلی، تاهیتی، میزبان این دوره را در ضربات پنالتی شکست داد.

روسیه در یک چهارم نهایی حریف تیم ملی ایران بود که در دیداری نزدیک موفق شد با نتیجه ۶ بر ۵ به پیروزی برسد.

ایران از گروه سه این مسابقات همراه با برزیل برای نخستین بار به مرحله بعدی صعود کرده بود.

جام جهانی ۲۰۱۳ تاهیتی پنجمین و موفق ترین حضور تیم ایران در این رقابت‌ها بود. پیش از این ایران در هر چهار دوره در مرحله گروهی حذف شده بود.

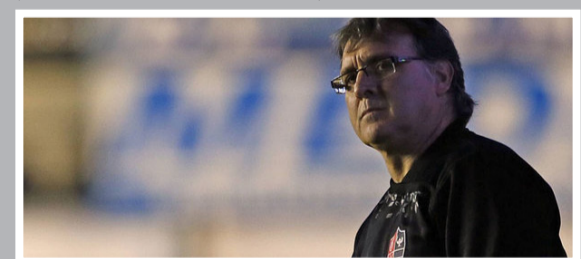
این هفتمین دوره جام جهانی فوتبال ساحلی بود که زیر نظر فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) برگزار می‌شد. دوره بعدی این مسابقات سال ۲۰۱۵ در پرتغال برگزار می‌شود.



تاتا:

بازیکنان بارسا به رکوردشکنی عادت کرده‌اند

دیدار را به دست آوردیم. آلمریا در نیمه اول بازی خوبی را به نمایش گذاشت و ما را شگفت زده کرد. به ویژه بعد از گل مسی مجبور شدیم



تلاش بیشتری از خود نشان دهیم. پیروزی بارسلونا در هفتمین بازی خود در رقابت‌های لیگا بهترین آغاز در تاریخ این رقابت‌هاست. تاتا درباره رکوردشکنی تیمش گفت: فقط تلاش می‌کنم تا از تیم حمایت کنم. بازیکنان بارسلونا به رکوردشکنی عادت کرده‌اند.

لیونل مسی، ستاره آبی - اناری‌ها در دقیقه ۲۹ این بازی آسیب دید و جای خود را به ژاوی داد. سرمربی بارسلونا درباره آسیب‌دیدگی ستاره آرژانتینی تیمش گفت: مسی از ناحیه عضله پای راست

دانست. بارسلونا در هفته هفتم لیگا با دو گل برابر آلمریا به پیروزی رسید تا با ۲۱ امتیاز از هفت بازی در صدر جدول رده‌بندی قرار گیرد و رکورد دیگری را به نام خود ثبت کند. تاتا، سرمربی آبی - اناری‌ها از عملکرد تیمش راضی است، او در نشست خبری بعد از بازی گفت: در نیمه دوم با عملکرد خوب ژاوی، اینیستا و فابریگس در میانه میدان بر بازی مسلط شده و عملکرد خوبی را از خود نشان دادیم. خوشحالم که سه امتیاز این

Mandegar

په ولسي جرگه کې د بدخشان استازي:

په بدخشان کې دفاع او کورنیو چارو وزارتونو ناغبري کړې ده



په ولسي جرگه کې د بدخشان د خلکو استازي وايي، چې په دې ولايت کې امنيتي وضعیت کرکېچن دی او وسله والو طالبانو د کرمان منجان ولسوالۍ نیولې ده. طالبانو هم تېره ورځ ادعا کړې وه، چې دغه ولسوالۍ یې نیولې خو د بدخشان د والي ویاند دغه ادعا ردوي. د ولسي جرگې غړي وايي، چې لا هم په سیمه کې جگړه روانه ده؛ خو زیاتوي، چې حکومت په لوی لاس طالبانو ته د ولسوالۍ د نیولو زمینه برابره کړې ده.

په ولسي جرگه کې د بدخشان د خلکو استازي ډاکټر نیلوفر ابراهیمي ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې د بدخشان نا امنۍ اوسنۍ نه ده بلکې رېښې یې پخواني دي او په لوی لاس طالبانو ته فرصت ورکړل شو، چې په بدخشان کې نفوذ پراخ او نا امني ډېره کړي. د هغې په خبره، د بدخشان نا امني له هغه مهال پیل شوې چې د ولسي جرگې شپږ تنه وکیلان وټنټول شو او وروسته له اوسني والي د مخکې هغه پر موټر چاودنه وشوه؛ چې دا د وسله والو خراغونه ول، چې ځان یې وښود خو فرصت ته په تمه ول. نوموړې وویل، که څه هم چې له دې وړاندې یې هم په وار وار امنيتي ځواکونو ته د ولس پیغام رسولی او د بدخشان دامنیتي وضعیت، په ځانگړي ډول د ولسوالیو د وضعیت په اړه یې امنيتي چارواکیو ته خپلې اندېښنې وړاندې کړي؛ خو حکومت یې غوښتنو او اندېښنو ته چندان پام نه دی کړی. مېرمن ابراهیمي زیاته کړه، چې دولت په لوی لاس په دې ولايت کې وسله والو ته د نا امنۍ جوړولو فرصتونه برابر کړل او شمېر یې څو چنده زیات شو. د ولسي جرگې د دې غړې په خبره، چې د بدخشان په نا امنیو کې د دفاع او کورنیو چارو وزیران گرم دي: ((موږ څه وخت وړاندې ځینې وکیلان دواړو وزارتونو ته ورغلو چې بدخشان ته دې یوه لېوا واستوي څو په دوامداره توگه کار وکړي؛ نه په مقطعي ډول خو دا غوښتنه ونه منل شوه.))

نوموړې وايي، چې د ملي دفاع او کورنیو چارو وزارتونو د بدخشان په نا امنیو کې ډېره بې کفایتي او ناغبري کړې ده او اوس د بدخشان مساله په سیاسي لحاظ خپرل کېږي لکه منځنۍ اسیا رسېدل، د ټاکنو تر سره کېدل، له پاکستان او ای اېس ای سره د نورستان له لارې یو ځای عمل کول او په کار ده چې اوس نورستان د یوه ستر سیاسي بعد له اړخه تعریف شي. اغلې ډاکټر نیلوفر ابراهیمي وویل، کېدای شي وضعیت له دې هم په بدخشان کې خراب او کرکېچن شي. د دې په خبره، چې د کرمان او منجان ولسوالۍ سقوط شوې او د طالبانو لاس ته لوېدلې ده او د ولسوالۍ مرکز ته اور اچول شوی دی.

نوموړې دغه راز وايي، چې د بدخشان د ټاکنو خپلواک کمېسیون تر اوسه په دې ولسوالۍ کې له خپلو مامورینو اطلاع نه لري.

نخست وزیر هند اعلام کړه، پاکستان نباید از حملات تروریستی علیه هند حمایت کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مانموهان سینگ، نخست وزیر هند در مجمع عمومی سازمان ملل، خاطرنشان کرد، کشورش عزم و اراده این را دارد که همه مشکلات مربوط به پاکستان از جمله مسایل مربوط به کشمیر را هر چه زودتر از طریق مذاکره و گفت و گو حل و فصل کند.

وی در عین حال افزود: برای این که پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل شود، این مسأله ضرورت دارد که پاکستان و مناطق تحت کنترل این کشور به تروریست‌ها در اجرای حملات علیه هند کمک و از آن‌ها حمایت نکنند. تروریسم دولتی فرامرزی یکی از نگرانی‌های ویژه برای هند است زیرا مرکز و هسته شکل‌گیری حملات تروریستی در منطقه ما در همسایگی یعنی در پاکستان قرار دارد.

نخست وزیر هند در ادامه گفت: کشمیر بخش لاینفک و جدایی‌ناپذیر هند است و هیچ‌گاه نباید در مورد یکپارچگی و تمامیت ارضی هند با دیگران سازش کرد.

مانموهان سینگ افزود: بسیار مهم است که تشکیلات تروریسم که در پاکستان ریشه دارد هر چه سریعتر از بین برود.

وی در حالی که برای دیدار با نواز شریف، همتای پاکستانی‌اش آماده می‌شود، گفت، برای دستیابی به پیشرفت لازم و ضروری است که پاکستان و مناطق تحت کنترلش برای کمک و ترغیب تروریسم استفاده نشوند.

نخست وزیر هند گفت: پاکستان نباید بیشتر از این کانون تروریسم در منطقه ما باشد. من باز هم تاکید می‌کنم که جامو و کشمیر بخش لاینفک و جدایی‌ناپذیر هند است و در مورد تمامیت ارضی و اتحاد هند

په همدې حال کې په ولسي جرگه کې د بدخشان بله استازي فوزیه کوفي هم وايي، چې په بدخشان کې وضعیت کرکېچن دی او د هغې د معلوماتو له مخې چې د شنبې په مازدیگر وسله والو طالبانو د کرمانو او منجانو ولسوالۍ نیولې ده. نوموړې وايي، چې د امنيتي ځواکونو ناسمه رهبري، بې کفایتي او مصلحتونه په بدخشان کې د نا امنیو د زیاتېدو لامل شوي دي.

دې زیاته کړه، چې یاده ولسوالۍ له خورا ستراتیژیک اهمیت نه برخمنه ده چې له پنځشپږ سره گډه پوله لري او طالبان غواړي د دې ولسوالۍ په نیولو سره د بدخشان نورې ولسوالیو ته هم لاره پیدا کړي او د نورستان له لارې ورته خپل اکمالات وکړي او نورې ولسوالۍ هم ونیسي.

اغلې کوفي وویل، له کرمان او منجانو ولسوالۍ نه د بدخشان او نورستان یوشمېر ولسوالیو ته پلې لارې شته او طالبان غواړي له همدې لارو نه د جگړې لپاره اکمالات وکړي.

د هغې په وینا، له حکومتي ځواکونو هېڅ د دې هیله نه لري چې دغه ولسوالۍ به بېرته ونیسي، ځکه امنيتي ځواکونه خپله د دې نا امنۍ عاملین دي، هغوی پوره همغږي نه لري، مورال او رهبري یې کمزورې ده او تدبیر نه لري، چې له امله یې نا امنی پراخه شوې ده.

وسله وال طالبان هم وايي، چې د کرمان او منجان ولسوالۍ یې نیولې ده. طالب ویاند ذبیح الله مجاهد جمهور نیوز ته ويلي، چې د شنبې په ورځ یې دغه ولسوالۍ په داسې مهال په خپله ولکه کې راوسته چې گڼ شمېر امنيتي ځواکونه یې هم اسیر نیولي دي.

خو د بدخشان د والي ویاند عبدالمعروف راسخ د طالبان له لوري د کرمان او منجان ولسوالي نیول رد کړي او ويلي یې دي، چې طالبانو یوازې د دې ولسوالۍ ځینې برخې نیولي دي.

هغه وايي، چې لا هم له طالبانو سره سخته جگړه روانه ده، چې د امنيتي ځواکونو ملاتړ ته نور ځواکونه هم استول شوي او یوشمېر د استول کېدو په حال کې دي.

نوموړې دغه راز زیاتوي، چې ځایي خلکو هم د وسله والو طالبانو پر ضد په لاریون لاس پورې کړې دی.

خو راسخ د تلفاتو په اړه د دې لپاره څه نه دي ويلي، چې گویا د جگړې په سیمه کې تېلفوني شبکې کار نه کوي.

نخست وزیر هند: پاکستان از تروریسم حمایت نکند



هیچ‌گاه و با هیچ‌کسی نمی‌توانیم به سازش برسیم. سینگ همچنین تاکید کرد که هرگونه پیشرفت مذاکرات دو جانبه با پاکستان به اقدامات این کشور علیه عملیات‌های گروه‌های تروریستی بستگی دارد. انتظار می‌رود که نواز شریف و مانموهان سینگ در نشست‌های درباره روابط دو جانبه و راه‌های حل اختلافات و عادی سازی روابط با یکدیگر گفت‌وگو کنند.

اما رویدادهای اخیر در کشمیر این نشست را تهدید می‌کند چرا که احزاب مخالفان هند از سینگ خواسته‌اند تا این نشست را لغو کند.

در همین حال یکی از مقامات ارشد پاکستان گفت: مساله تروریسم برای پاکستان نیز به اندازه دیگر

کشورها موجب نگرانی است. پاکستان قربانی تروریسم است. مردم و نیروهای مسلح پاکستان متعهد شده‌اند تا علیه سرکوب و اقدامات تروریستی تلاش کنند و تلاش‌های مقابله با تروریسم ما از سوی تمام جهان مورد قدردانی قرار گرفته است.

در عین حال مکان نشست میان نواز شریف و مانموهان سینگ تغییر کرده است. در ابتدا قرار بود که نواز شریف در هتل اینترکنتینتال میزبان سینگ باشد اما در حال حاضر قرار است این نشست در پالاس هتل، محل اقامت سینگ برگزار شود.

هنوز هیچ‌کس توضیح نداده که چرا نواز شریف قبول کرده که میهمان سینگ باشد.

رییس مرکز ضدتروریسم کشورهای مشترک المنافع: برای هر سناریویی پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان آماده‌ایم



رییس مرکز ضدتروریسم کشورهای مشترک المنافع اعلام کرد روسیه و آسیای مرکزی برای پیامدهای منفی احتمالی خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ آماده خواهند بود.

بنا به گفته آندری نیکوف رییس مرکز ضدتروریسم (ATC) کشورهای مستقل مشترک المنافع، روسیه و آسیای مرکزی برای عواقب منفی احتمالی خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ آماده خواهند بود.

این مسأله در حالی است که قبلا نیکوف در مورد درگیری‌های مسلحانه داخلی در افغانستان به خصوص در ولایت‌های شمالی این کشور و تشکیل گروه‌های پناهنده به کشورهای همسایه آسیای

مرکزی که منجر به افزایش خطر نفوذ شبه‌نظامیان و همچنین قاچاق اسلحه از افغانستان می‌شود، خبر داده بود.

نیکوف پس از پایان یافتن تمرینات ضدتروریستی «آلا-تا-آ» ضد ترور - ۲۰۱۳... ادامه صفحه ۶

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰